

ایمانوئل کانت

نزاع دانشکده‌ها

ترجمه‌ی سیده معصومه موسوی



## فهرست

۱	سخن مترجم فارسی
۷	مقدمه‌ی مترجم انگلیسی
۳۵	یادداشت کتاب‌شناختی مترجم انگلیسی
۴۳	پیش‌گفتار
۵۳	بخش نخست: نزاع دانشکده‌ی فلسفه با دانشکده‌ی الهیات
۵۵	درآمد
۶۱	یک: درباره‌ی نسبت دانشکده‌ها
۶۱	قسمت اول: مفهوم و بخش‌بندی دانشکده‌های فرادست
۶۵	الف: ویژگی ممیز دانشکده‌ی الهیات
۶۶	ب: ویژگی ممیز دانشکده‌ی حقوق
۶۸	ج: ویژگی ممیز دانشکده‌ی طب
۷۰	قسمت دوم: مفهوم و بخش‌بندی دانشکده‌ی فرودست
۷۴	قسمت سوم: درباره‌ی نزاع نامشروع دانشکده‌های فرادست با دانشکده‌ی فرودست
۷۸	قسمت چهارم: درباره‌ی نزاع مشروع دانشکده‌های فرادست با دانشکده‌ی فرودست
۸۲	برآمد

- ۸۵ دو: پیوست: نزاع میان دانشکده‌های الهیات و فلسفه ...
- ۸۵ یک: محتوای نزاع
- ۸۹ دو: اصول فلسفی تفسیر متن مقدس برای حل و فصل نزاع
- ۹۸ سه: اعتراضات پیرامون اصول تفسیر کتاب مقدس، به همراه پاسخ‌هایی به آن‌ها
- ۱۰۲ ملاحظه‌ای کلی: درباره‌ی فرقه‌های دینی
- ۱۲۰ انعقاد صلح، و حل و فصل نزاع دانشکده‌ها
- ۱۲۹ پیوست: پرسش‌های تاریخی در باب کتاب مقدس ...
- ۱۳۱ پیوست: درباره‌ی نوعی عرفان محض در دین
- ۱۴۱ بخش دوم: نزاع دانشکده‌ی فلسفه با دانشکده‌ی حقوق
- ۱۴۳ پرسشی قدیمی دوباره سر بر آورد: آیا نوع بشر پیوسته در حال پیش‌رفت است؟
- ۱۶۲ نتیجه‌گیری
- ۱۶۳ بخش سوم: نزاع دانشکده‌ی فلسفه با دانشکده‌ی طب
- ۱۶۵ درباره‌ی قدرت ذهن در مهار احساسات بیمارگون خویش به وسیله‌ی عزم صرف
- ۱۷۰ اصل دستورالعمل
- ۱۸۵ نتیجه‌گیری
- ۱۸۸ پی‌نوشت
- ۱۹۱ پانوشت‌ها
- ۱۹۹ واژه‌نامه‌ی آلمانی-انگلیسی-فارسی
- ۲۰۵ واژه‌نامه‌ی انگلیسی-آلمانی-فارسی
- ۲۱۱ واژه‌نامه‌ی فارسی-آلمانی-انگلیسی
- ۲۱۷ نمایه

این انتخاب‌ها به دو دلیل انجام نگرفت. زیرا از یک سو منظور و ارجاع مدام کانت در این کتاب به کتب مقدس مسیحیان و یهودیان است و نه هر اهل کتابی که اعم از مسیحی و یهودی است. از سوی دیگر معادل «متکلم» می‌توانست ما را اسیر نوعی بومی‌سازی و معادل‌یابی تصنعی ناظر به فرهنگ خودمان کند. این کار هر چند می‌توانست معادل‌ها را برای خواننده آشناتر و فضای متن را مانوس‌تر کند اما هم‌زمان می‌توانست ما را به دام دورشدن و گسست متن از حال و هوای خاص آن گرفتار کند.

واژه‌ی دیگری که در متن به دفعات به آن اشاره شده است واژه‌ی *statutes* و مشتقات آن نظیر *statutory* است. این واژه‌ها در متن به «مصوبات»، «قوانین مصوب» یا «قانونی» ترجمه شده‌اند. کانت در این متن، این واژه را معادلی برای آن دسته از قوانین مرتبط با دین و امور دینی معرفی می‌کند که می‌توانند تحت نظارت حاکمیت وضع یا تصویب شوند یا اشاعه‌ی آن‌ها ممنوع شود. به این معنا که اگر یک دسته قوانین اخلاقی وجود دارند که بی‌زمان و غیرقابل وضع و فسخ هستند و دسته‌ای قوانین فرقه‌ای وجود دارند که قابلیت گریز از نظارت و وضع و فسخ حاکمیت‌ها را دارند، دسته‌ی سومی از قوانین هم وجود دارند که حاکمیت در وضع، تصویب و ملغی کردن و اعلام این که باید به طور علنی تفسیر یا تبلیغ شوند نقش دارد و به اعتقاد کانت حاکمیت می‌تواند و باید از این حق بهره ببرد. بدین معنا، این دسته از قوانین و اصول که تبلیغ و وضع آن‌ها از نظارت حاکمیت گذشته است، مصوبات، قوانین مصوب و قانونی خوانده شده‌اند.

واژه‌ی دیگری که در معادل‌یابی برای آن با دشواری مواجه بوده‌ایم، *canon* است. می‌دانیم که این واژه در متون فارسی به معادل‌های مختلفی نظیر «قانون»، «قاعد»، «کیش»، «آثار معیار»، «نص»، «قانون شرع» و «نوشته‌های اصیل» ترجمه شده است. هیچ‌یک از این

واژه‌ها کاملاً بیان‌گر معنای مورد نظر کانت نیست، هر چند که همه‌ی این معانی در آن مستتر است و به همین دلیل ما ضمن برگزیدن معادل «متون قانونی»، آن را نیازمند توضیحی مختصر دانسته‌ایم. آن طور که از متن برمی‌آید مقصود کانت از canon متونی‌ست که در قالب نوشتاری مکتوب متجسد و تثبیت شده‌اند و توانسته‌اند با گذر زمان، اعتبار و اصالت خود را اثبات کنند. به این معنا که توانسته‌اند از آزمون‌های اعتبارسنجی عقلی سربلند بیرون بیایند. اما کانت در بخش‌های مختلف متن تأکید می‌کند که canon همان قدر که دربردارنده‌ی وجوه عقلی و هسته‌ی اخلاقی دین است، می‌تواند برخی «جزم‌های کلیسایی» را نیز شامل شود. این ممکن است تناقضی آشکار تلقی شود. به این معنا که اگر canon به جان‌مایه‌ی عقلی و اخلاقی دین اشاره دارد و برابر با آن چیزی‌ست که کانت «دین اخلاقی محض» می‌نامد، پس نباید شامل هیچ نوع جزمی باشد. برای اجتناب از این خوانش به ظاهر متناقض‌نما باید توجه داشته باشیم که مقصود کانت از این «جزم‌های کلیسایی»، هر جزمی نیست. زیرا او آشکارا پذیرفتن و روا دانستن هر نوع جزمی در هسته‌ی عقلی دین را، مبنای تقسیم ادیان به فرقه‌های بی‌شمار برشمرده و آن را نکوهش کرده است. بنابراین باید توجه داشته باشیم که گرچه از نظر کانت canon هنوز می‌تواند بهره‌ای از جزم‌های کلیسایی داشته باشد اما شامل اصولی‌ست که گرچه جزمی‌اند، به واسطه‌ی نسبتی که با جان‌مایه‌ی اخلاقی و عقلی دین دارند از وجوه غیرعقلی و ظاهری صرف خود پیراسته شده‌اند. از سوی دیگر می‌توان این کاربرد همراه با ابهام را در این متن به دو گونه فهم و تعبیر کرد. نخست این که این اظهار کانت را که canon همواره شامل برخی جزم‌های کلیسایی نیز می‌شود، این طور بفهمیم که کانت از این تعبیر به عنوان راهی برای گریز از سانسور حاکم بر زمانه‌ی تألیف اثر یا طفره رفتن از این پرسش خطیر استفاده کرده که آیا ممکن است روزی دین کاملاً بدل به امری